

«بسمه تعالی»

نویسندگان پرفروشترین کتاب به انتخاب نیویورک تایمز

دو مرد یک پیام

" چرا دوست داریم شما هم ثروتمند شوید؟ "

نویسندگان:

دونالد جی ترامپ - رابرت تی کیوساکی

مردیث مک ایور - شارون لشر

مترجم:

هنگامه خدابنده

ویراستار:

حسین پهلوانی



**عنوان و نام پدیدآور:** دو مرد یک پیام: چرا دوست داریم شما هم ثروتمند شوید؟/ نویسندگان دونالدجی ترامپ ... [و دیگران]؛ مترجم هنگامه خدابنده؛ ویراستار حسین پهلوانی.  
**مشخصات نشر:** تهران: طاهریان، ۱۳۸۸.  
**مشخصات ظاهری:** ۳۸۴ ص.  
**شابک:** ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۰۶-۷۴-۰  
**وضعیت فهرست نویسی:** فیبا  
**یادداشت:** عنوان اصلی: Why we want you to be rich  
**موضوع:** موفقیت در کسب و کار  
**موضوع:** موفقیت  
**شناسه افزوده:** ترامپ، دونالد، ۱۹۴۶ - م.  
**شناسه افزوده:** Trump, Donald  
**شناسه افزوده:** خدابنده، هنگامه، ۱۳۶۲-، مترجم  
**رده بندی کنگره:** HF ۵۳۸۶/د۹۱۵ ۱۳۸۸  
**رده بندی دیویی:** ۶۵۰/۱  
**شماره کارشناسی ملی:** ۱۹۵۱۶۷

### «دو مرد یک پیام، چرا دوست داریم شما هم ثروتمند شوید؟»

- مترجم: هنگامه خدابنده ● ویراستار: حسین پهلوانی
- ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: اول ● سال چاپ: ۱۳۸۹ ● تیراژ: ۳۱۰۰ جلد
- لیتوگرافی: باران ● طرح جلد: آرزو خسروپور ● قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۰۶-۷۴-۰

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱  
تلفن: ۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲

هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات، طرح جلد و عنوان مجموعه این کتاب بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و متخلفان به موجب قانون مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

این کتاب را به همسرم به پاس صبر و شکیبایی که در تمام امور نسبت  
به من و زندگی دارند تقدیم می کنم

مقدمه:

دو مرد، یک پیام

چرا دوست داریم شما هم ثروتمند شوید

” ثروتمندان ثروتمند تر می‌شوند اما شما چه؟“

طبقه‌ی متوسط جامعه‌ی ما کم تعداد می‌شوند و کم تعداد شدن طبقه‌ی مذکور بخودی خود تهدیدی علیه ثبات ایالات متحده و دموکراسی در جامعه‌ی جهانی است. دلمان می‌خواهد شما هم ثروتمند شوید تا به جای آنکه جزیی از مسئله باشید بتوانید خود قسمتی از راه حل بشوید.

دونالد جی ترامپ و رابرت کیوساکی هر دو نگرانند. نگرانی آنها از این جهت است که با وجود آنکه ثروتمندان بر میزان ثروتشان افزوده می‌شوند، آمریکاییان در حال فقیرتر شدن هستند. درست مثل یخ‌های قطبی که در حال ذوب شدن هستند. طبقه‌ی متوسط جامعه هم در حالی نابودی است و جامعه‌ی آمریکا در مسیر تبدیل شدن به جامعه‌ای دو قطبی است. به زودی یا باید در گروه ثروتمندان جای بگیرید یا فقرا. دونالد و رابرت دلشان می‌خواهد شما هم ثروتمند شوید.

گرچه پدیده‌ی از بین رفتن طبقه‌ی متوسط مسئله‌ای جهانی است، اما شیوعش در میان جوامع مرفه‌تر بخصوص هشت کشور صنعتی (جی هشت) در کشورهایی چون آلمان، انگلستان، فرانسه، ژاپن و... رواج بیشتری دارد.

آلن گرینزپین رییس سابق بانک مرکزی (آمریکا) اظهار داشته بود: "همان طور که بارها گفته‌ام این مسئله (از بین رفتن طبقه‌ی متوسط و تقسیم جامعه به دو گروه فقیر و غنی) چیزی نیست که جامعه‌ی دموکراتیک سرمایه داری بدون چاره جویی بتواند هضمش کند."

آقای گرینزپین در ادامه‌ی توضیحاتش به این امر پرداخت که چگونه شکاف درآمد میان ثروتمندان و باقی جمعیت آمریکا به حدی وسیع شده است و به شدتی در حال گسترش است که امکان دارد حتی نهایتاً به تهدیدی علیه ثبات سرمایه گذار دموکراتیک بدل شود.

مشکل به آموزش بر می‌گردد

آنچه رییس بانک مرکزی به عنوان دلیل اصلی چنین مشکلی به آن اشاره کرد در یک کلام "آموزش" بود. آقای گرینزپین به این نکته اشاره کرد که کودکان آمریکای تا کلاس چهارم در سطح هوشی بالاتر از متوسط میزان جهانی قرار دارند. اما هنگامی که وارد کلاس دوازدهم می‌شوند از بسیاری از همسالان خود عقب می‌مانند. وی اعتقاد دارد باید برای جلوگیری از این امر چاره‌ای اندیشید.

دونالد ترامپ و رابرت کیوساکی هم فقدان آموزش را مقصر می‌دانند. مقصود آنها آموزش‌های امور مالی است که جدا از آموزش‌های رسمی است. هر دوی این افراد در مورد فقدان آموزش مالی مکفی در تمام سطوح نظام آموزشی آمریکا بسیار نگرانند و هر دوی آنها اعتقاد دارند که همین فقدان سبب شده که آیالات متحده به سرعت از ثروتمندترین کشور دنیا به مقروض‌ترین کشور تاریخ بدل شود. اقتصاد ضعیف و دلار کم ارزش (که واحد ذخیره‌ی ارزی در تمام کشورهای دنیاست) نشانه‌ی خوبی برای ثبات جهان نیست. شاهد این مدعا در این جمله نهفته شده است که می‌گوید "اگر آیالات متحده عطسه کند باقی کشورها سرما می‌خورند."

#### هر دوی این افراد معلم هستند

هم دونالد ترامپ و هم رابرت کیوساکی از سرمایه‌گذاران و مدیران موفق هستند. بیزنس می‌کنند و از شهرت جهانی برخوردارند. در عین حال هر دویشان معلم هستند و از شهرت جهانی برخوردارند. در عین حال هر دویشان معلم هستند و کتاب‌هایشان جزء پر فروش‌ها بوده‌اند، به تولید و طراحی بازی‌های آموزشی پرداخته‌اند، در رویداد‌های آموزش مالی شرکت کرده‌اند و هر دو برنامه‌های آموزشی در تلویزیون اجرا می‌کنند. در شبکه ی BBC که معروف‌ترین شبکه‌ی عمومی آموزش است، دونالد ترامپ برنامه‌ی بسیار محبوب خود به نام "کارآموز" و رابرت کیوساکی برنامه‌ای به نام "راهنمایی‌های پدر پولدار برای ثروتمند شدن" را اجرا می‌کند.

هردوی این مردان معلم هستند. اما نه برای اینکه پول بیشتری به دست بیاورند، بلکه چون دلواپس سرنوشت اشخاص و خانواده‌هایشان ملت آمریکا و جهان هستند.

معمولاً ثروتمندانی که قصد ایجاد تغییر در جامعه‌شان را دارند، پولشان را وقف چیزهایی می‌کنند که معتقدند باعث تغییر می‌شوند. اما دونالد ترامپ و رابرت کیوساکی هم وقت و هم پولشان را صرف هدفشان کرده‌اند. همان طور که می‌دانیم می‌توان به یک نفر ماهی داد و برای همان روز سیرش کرد یا یادش داد که ماهیگیری کند و برای تمام عمرش خودش را سیر کند. دونالد و رابرت به جای اینکه بنشینند و برای کمک به فقرا و طبقه‌ی متوسط چک بکشند، دارند ماهیگیری یادشان می‌دهند. علاوه بر این قسمتی از درآمد حاصل از فروش این کتاب صرف سایر نهادهایی که برای آموزش امور مالی فعالیت می‌کنند خواهد شد.

#### انواع توصیه‌های امور مالی

انواع توصیه‌های مالی ارائه شده در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند:

توصیه‌های مخصوص قشر فقیر، مخصوص قشر متوسط و مخصوص ثروتمندان. توصیه‌های مالی برای قشر فقیر به این صورت است که دولت سعی در تسهیل امور برای طبقه فقیر جامعه دارد و امید آنها به تامین اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی است. آنهايي که در طبقه‌ی متوسط جا بگیرند بایستی شغلی پیدا کنند و به سختی تلاش کنند و سطح خواسته‌هایشان را پایین بیاوردن و پول پس‌انداز کنند، در شرکت‌های خرید و فروش سهام سرمایه‌گذاری کنند و تنوع فعالیت اقتصادی داشته باشند. بیشتر افرادی که در گروه متوسط جای دارند سرمایه‌گذار منفعل هستند، یعنی سرمایه‌گذارانی که کار می‌کنند و سرمایه‌گذاری‌شان به هدف از دست ندادن اصل سرمایه است که ضرر نکنند. ثروتمندان سرمایه‌گذارانی فعال هستند که به قصد پیروز شدن کار می‌کنند و سرمایه‌اندوخته می‌کنند. کتابی که پیش رو دارید راجع به چگونگی تبدیل شدن به یک سرمایه‌گذار فعال است و می‌خواهد به شما کمک کند تا امکاناتی را که در اختیار دارید، به نحوی به خدمت بگیرید که با سرمایه‌گذاری برای پیروز شدن زندگی‌ای موفق بگذرانید.

دونالد و رابرت به جای اینکه به افراد بیاموزند تا به جای کار سخت و در نتیجه زندگی برای برآورده کردن خواسته‌های حداقلی خود چگونه امکاناتشان را توسعه بدهند و به این طریق کیفیت زندگی‌شان را بالا ببرند، محبوبیتشان به عنوان سخنران افزایش پیدا کرده است و کتاب‌هایشان پرفروش شده است. آنها دوست دارند که مردم کار و سرمایه‌گذاری کنند تا موفق بشوند.

### یک داستان کوچک

طی عصر شکار که انسان‌ها در قالب قبایل زندگی می‌کردند تمام افراد قبیله از بسیاری از جهات شبیه هم بودند. حتی اگر فردی رئیس قبیله بود باز هم فرق چندانی با دیگران نداشت. در آن زمان رؤسای قبایل هواپیمای جت، املاک چند صد میلیونی و یا چترهای طلایی نداشتند.

در عصر فئودالها جامعه‌ی دو طبقه‌ای شکل گرفت. جامعه‌ای که در آن پادشاه و نزدیکانش در یک طبقه و دیگران (که عمدتاً دهقانان بودند) و برای شاه کار می‌کردند در یک طبقه جای می‌گرفتند. کلاً این پادشاه بود که مالک زمین شناخته می‌شد. دهقانان روی زمین پادشاه کار می‌کردند و از طریق پرداخت سهمی از آنچه برداشت کرده بودند نوعی مالیات به وی پرداخت می‌کردند. دهقانان هیچ چیز نداشتند و در مقابل پادشاه صاحب همه چیز بود.

در عصر انقلاب صنعتی بود که با ظهور طبقه‌ی متوسط در جامعه‌ی آمریکا دموکراسی هم متولد شد.

اجداد آمریکاییان که این کشور را ایجاد کردند آنچنان تحت تاثیر پنج قبیله عضو اتحادیه‌ی ایروکیوس واقع شدند که از همان الگوی قبیله‌ای به عنوان الگوی پایه‌ی دموکراسی استفاده کردند. در مدل مذکور نمایندگانی در مجلس اعیان و عوام برگزیده شده و دادگاه عالی که اعضاء تشکیل دهنده‌اش همگی از بانوان بودند، طراحی شده بود. همان هنگام که کاشفان آمریکا در حال تقلید از قالب ایرکیوس بودند تا نظام دموکراتیک را پایه گذاری کنند - در اروپا ایده‌ی دموکراسی و طبقه‌ی متوسط را اوهام و غیر واقع میدانستند. آنهم در حالیکه در آیالات متحده طبقه‌ی متوسط نیرومند و جامعه‌ی دموکراتیک داشت شکوفا می‌شد.

امروزه در عصر حاضر شاهد از بین رفتن تدریجی طبقه‌ی متوسط و سرمایه‌داری دموکراتیک حاصل از آن هستیم. آنچه امروز به عنوان واقیتی مبنی بر شکاف بسیار عمیق و در حال رشد بین "دارا" و "ندار" شاهد هستیم، در هیچ دوره‌ی تاریخی به این اندازه سابقه نداشته است. آیا داریم عقب گرد می‌کنیم و به عصر فئودالها برمی‌گردیم که در آن نه از دموکراسی خبری بود و نه جز دو طبقه، طبقه‌ی دیگری وجود داشت؟ و یا شکل جدیدی از نظام دموکراسی و سرمایه داری ظهور پیدا می‌کند؟

### مشکلات پیش رو

درست همان طور که اثر گرما جهان بر کره‌ی زمین به تازگی دارد اشکار میشود، عواقب از میان رفتن طبقه‌ی متوسط جامعه هم تازه دارد خودش را نشان می‌دهد. در حال حاضر بسیاری از آنها که جزء این طبقه محسوب می‌شوند احساس خطری نمی‌کنند و خشنود هستند، حتی با وجود آنکه از مشکلات پیش رو مطلع هستند.

جامعه‌ی طبقه‌ی متوسط از آن جهت که فکر می‌کند هنگام روی دادن مشکلات دولت پیش قدم شده و از آنها محافظت می‌کند و مشکلاتشان را بر طرف می‌کند احساس امنیت دارد. ولی از این موضوع بی‌خبر است که به واقع از دست دولت هم کار چندانی بر نمی‌آید. به این دلیل که در زمان حاضر مشکلات ماهیت جهانی پیدا کرده اند، هیچ دولت حتی دولت امریکا چندان نمی‌تواند به آن راحتی‌ای که قبلاً از شهروندانش محافظت می‌کرد این کار را بکند. به عنوان مثال در نظر بگیرید که قیمت نفت را کشورهای دیگر تعیین می‌کنند و این موضوع خارج از کنترل دولت آمریکا است، تروریسم جنگی بر علیه ملت‌ها نیست بلکه نبرد است علیه عقاید.

امروزه تروریست‌ها می‌توانند هر جا را که خواستند منفجر کنند و در میان ازدحام جمعیت گم شوند یا حتی پدیده‌ای مثل جهانی سازی که بسیاری از آمریکاییان شغل خود را از دست بدهند و یا مشکل شرکت‌های چند ملیتی که ثروتمند تر و از بسیاری از

کشورها قدرتمند تر شده اند. جهانی سازی که به آن اشاره شد علاوه بر این به واسطه‌ی وب گسترده‌ی جهانی که امکان برقراری ارتباط را در هر جای جهان ممکن کرده نیز ظهور پیدا کرده است. امروزه برقراری ارتباط در هر زمان و مکانی ممکن شده است. بر گردیم سر جامعه آمریکا. در مقیاسی مشابه علاوه بر کارشناسان محیط زیست که متوجه از بین رفتن برخی گونه‌های قورباغه‌ها شده‌اند، اقتصاد دانان نیز کشف کرده‌اند که مستمری و مراقبت‌های بهداشتی مخصوص طبقه‌ی متوسط و فقرای کشورهای درحال نابودی هستند. فقط چند سال وقت لازم است تا نسل‌های افرادی که متولد سالها از دیاد موالید بوده‌اند در کشورها مختلف جهان به سن بازنشستگی برسند و این در حالی است که بسیاری از دولت‌های جهان فاقد منابع مالی لازم برای تامین هزینه‌های این جمعیت هستند.

#### **بیزنس پیشه، نه سیاستمدار**

انتظار مردم از دولت منتخب‌شان این است که آنها به رفع و رجوع مشکلات بپردازند که پی روی طبقه‌ی متوسط و فقیر جامعه است. هر چند بسیاری تمایل دارند که دونالد نامزد مقام ریاست جمهوری شود ولی دونالد و رابرت سیاستمدار نیستند و این کتاب را در مقام مدیر، سرمایه گذار و معلم نوشته‌اند.

آنها به جای آنکه به افراد قول حل مشکلاتشان را بدهند، می‌خواهند راه کارهایی ارائه بدهند تا افراد را از قربانی شرایط شدن برهانند. نباید انتظار داشت که سیاستمداران و مقامات دولتی در پی چاره جویی برآیند. همچنین نباید تصور کرد که ما مستحق برخورداری از زندگی امن، پر از خوش بختی و سلامتی هستیم. در عوض دونالد و رابرت هدفشان این است که افراد پولدار شده و برای مشکلاتی که ما آمریکاییان در قالب یک ملت و ما جهانیان به طور کلی با آنها روبرو هستیم، خود بخشی از راه حل بشوند.

#### **کتاب حاضر کتابی حاوی دستور العمل‌های چرا و چگونه نیست**

بسیاری از افراد وقتی صحبت از پول می‌شود انتظار دارند که به آنها دستور العمل داده شود معمولا سوالات خاصی از این قبیل می‌پرسند که " من ۲۵۰۰۰ دلار دارم چه کار باید بکنم؟" وقتی به دیگران بگویید که نمی‌دانم با پولم چه کار باید بکنم خوشحال می‌شوند راهنماییتان بکنند و پیشنهاد می‌کنند پولتان را دست آنها بسپارید.

کتابی که در دست دارید دستور العمل صادر نمی‌کند. دونالد و رابرت نمی‌گویند پول را کجا باید سرمایه گذاری کرد. بلکه افکارشان را و اینکه چرا به لحاظ مالی توفیق پیدا کرده‌اند و دنیای پول و سرمایه به نظرشان چگونه است را با شما قسمت می‌کنند.



### بحث اصلی بر سر دید افراد است

بسیاری از افراد دوست ندارند آنچه خودشان از روش‌های ثروتمند شدن یا رازهای آن می‌دانند به دیگران بگویند. دونالد و رابرت از این لحاظ استثنا هستند زیرا علاقه مندند دانسته هایشان را با دیگران تقسیم کنند.

یکی از تعاریف "رهبر" دید داشتن است (کسی که افق دید دارد) و عین همان موضوع تشکیل دهنده‌ی این کتاب است. "دید" یعنی دیدن آنچه بسیاری از افراد متوجه‌اش نیستند. در کتاب حاضر از نگاه دو نفر که در بازی پول به موفقیت دست یافته‌اند (و گهگاه شکست هم خورده‌اند) مطرح می‌شود. "چرا دوست دارم شما هم ثروتمند شوید؟" راجع به اینکه این افراد چگونه فکر می‌کنند و چرا اینگونه فکر می‌کنند است و از طریق بررسی دید آنها است که می‌توان نگرشی عمیق تر به سمت بهبود آینده مالی پیدا کرد.

### هشدار

در دنیای پول و ثروت "شفافیت" یکی از کلمات است که بسیار استعمال می‌شود. تعاریف بسیار دارد که از میان آنها سه تعریف که در کتاب حاضر استفاده شده‌اند به شرح زیر است:

۱) عاری از تظاهر یا فریب

۲) شیئی ای که آنقدر واضح باشد که بتوان از میان آن نگاه کرد

۳) امری که به سهولت درک شود.

افراد به دلیل آنکه بتوانند مسایل را خودشان درک کنند و دست به تصمیم‌گیری بزنند نیازمند دید عمیق‌تری هستند. از آنجا که نظام آموزشی کشور آن طوری که باید و شاید دیدن را به افراد آموزش نمی‌دهد و آنها نمی‌توانند متوجه و آگاه باشند و اگر قرار باشد متوجه چیزی نشوند شناختی هم از آن بدست نمی‌آورند، به دلیل همین فقدان دید و شفافیت است که افراد با سپردن پولشان به دیگران تا برایشان سرمایه‌گذاری کنند، به بی‌دقتی دست به سرمایه‌گذاری می‌زنند و کورکورانه از توصیه‌ی "به سختی تلاش کن پس انداز کن، سرمایه‌ات را در شرکت‌های خرد سهم سرمایه‌گذاری کن و تنوع فعالیت داشته باش" پیروی می‌کنند و از این توصیه در سرمایه‌گذاری پیروی می‌کنند زیرا متوجه چیزی نیستند.

**هشدار:** اگر کسی اعتقاد دارد که تلاش زیاد پس انداز پول و سرمایه گذار طولانی مدت در شرکت‌های خرید سهم و تنوع فعالیت پیشنهاد خوب و کارآمدی است پس این کتاب به کارش نمی‌آید.

دونالد و رابرت به دلیل آنکه شرکت‌های خرید سهم الزام به شفافیت در امورشان و اعلام عمومی هزینه‌هایشان ندارند، اقدام به سرمایه‌گذار در آنها نمی‌کنند. از آنجا که بسیاری از سرمایه‌گذاران آماتور قادر به تشخیص موضوعات پیش‌گفته نیستند، این حقیقت برایشان اهمیتی ندارد، در حالیکه سرمایه‌گذاران کارکشته مثل دونالد و رابرت شفافیت در سرمایه‌گذاری را لازم می‌دانند.

ممکن است ایده‌ی پس‌انداز در شرکت‌های خرد سهام به مذاق افراد قشر متوسط و قشر فقیر خوش بیاید، اما برای آنهایی که قصدشان ثروتمند شدن است توصیه نمی‌شود. کتاب که پیش رو دارید از دید دو ثروتمند به امور بر می‌گردد و دنیای پول و ثروت را طوری که دیگران به آن شکل نمی‌بینند بررسی می‌کند.

#### **گذشته چگونه بر حال اثر می‌گذارد؟**

کتاب حاضر به واکاوی این موضوع می‌پردازد که چگونه گذشته ما را به وضعیت اورژانسی امروز کشانده است. برخی از وقایع و رویداد‌های مهم به این شرح هستند: سال ۱۹۷۱: در این سال به دلیل آنکه پشتوانه‌ی طلا از دلار برداشته شد دلار از ارزش مالی خود تهی و صرفاً پول رایج کشور شد و در همین سال "پس‌انداز پول" ایده‌ای منسوخ و نامناسب اعلام شد. امروزه طبقه‌ی متوسط پس‌انداز بسیار ناچیزی دارد. آیا امروزه به دلیل آنکه افراد می‌دانند پس‌انداز کردن ایده‌ای نامناسب است آن را انجام نمی‌دهند؟

سال ۱۹۷۳: در این سال اولین شوک نفتی به جامعه وارد شد که ناشی از مشکلات سیاسی بود. امروزه بر عکس آن زمان شوک نفتی که به جامعه وارد می‌شود، به واقع ناشی از مشکلات در عرضه و تقاضاست که بر تمام احاد جامعه اثر می‌گذارد و در نتیجه‌ی کمبود نفت برخی ثروتمند تر و برخی فقیرتر خواهند شد.

#### **چگونه بحران جاری نفتی بر وضعیت همه اثر می‌گذارد؟**

سال ۱۹۷۴: در این سال قانون ERISA که مخفف قانون امنیت درآمد بازنشستگی کارمندان بود، تصویب شد و نهایتاً منجر به طرح‌های موسوم به 401(K) شد. در تاریخ آمریکا و در مقایسه با قانونی که نام برده شد. تعداد تغییرات اعمال شده بر قانون بر طیف وسیعی از جامعه اثر گذاشته باشد کم است. در اصل طرح 401(K)، یک زیر پاراگراف سری در متن قانون بود که در قوانین مالیاتی صرفاً جهت رفاه حال مدیران اجرایی و عامل تعبیه شده بود تا به اینطریق چند دلاری بیشتر نصیب آنها شود. پس از آنکه در سال ۱۹۸۱ خدمات مالیات داخلی (IRS) رأی به بهره‌مندی کارگران از قانون مزبور داد، انقلابی در پس‌اندازهای بازنشستگی رخ داد. مشکل طرح 401(K) اینست که

طرح مذکور طرحی پس اندازی است و نه مخصوص بازنشستگی. بسیاری از کارگران که مشمول طرح (K) 401 می‌شوند صرفاً به دلیل طراحی طرح مزبور جهت مدیران پر درآمد و نه کارگران کم‌مزد، پول کافی جهت گذراندن سال‌های بازنشستگی خود ندارند. به بیان ساده‌تر از آنجا که طرح مذکور برای ۸۰ درصد از کارگران، مخصوصاً آن دسته که کمتر از ۱۵۰ هزار دلار در سال درآمد دارند کارایی ندارد، امروزه میلیون‌ها نفر از کارگران طبقه‌ی متوسط جامعه حتی با وجود بهره‌مندی از طرح (K) 401 به طبقه‌ی فقیر سقوط خواهند کرد.

#### آیا شما هم مشمول طرح (K) 401 هستید؟

سال ۱۹۸۹: در این سال دیوار برلین فرو ریخت و وب گسترده‌ی جهانی ابداع شد. به بیان دیگر همین سال بود که نظام کمونیستی که ادعا حمایت از قشر کارگر را داشت شکست خورد و همان زمان و همان سال انسان قدم به عصر اطلاعات گذاشت و ناگهان شاهد بودیم که چگونه میلیون‌ها و میلیاردهای جوان ظهور کردند و کارگران متولد نسل از دیاد موالید شغل شان را از دست دادند.

بسیاری از کارگران مسن‌تر بایستی برای جوانترها کار کنند، آنهم به دلیل آنکه به لحاظ فنی به روز نیستند و دانش فنی امروزی ندارند. هم اکنون تعداد زیادی از این افراد عوض آنکه همچون دوران انقلاب صنعتی با افزایش حقوق مواجه باشند به سبب کهنه شدن حاصل سال‌ها کار و تجربه‌شان حقوق کمتری دریافت می‌کنند.

#### آیا مهارت‌هایتان قدیمی شده است؟

سال ۱۹۹۶: در این سال قانون اصلاح ارتباطات تصویب شد و موجب شد تا جهان به واسطه‌ی کابلهای نوری در نقاط مختلف به هم وصل شده و جهانی سازی تسهیل شود. وقوع این پدیده این معنا را با خود به همراه داشت که مشاغل کارمندان یقه سفید (کارمندان پشت میز نشین) صادر شدند. در جهان امروز استخدام برنامه‌ریز، پزشک، وکیل و حسابدار از کشورهایی که هزینه‌ی سرویس‌های مرتبط به دلیل هزینه‌ی کمتر زندگی در خارج از آیالات متحده ارزانتر است، به لحاظ اقتصادی به صرفه تر است.

#### آیا امکان‌ش هست در کشوری که در آن شاغل هستید فناوری کابل نوری دستخوش تغییر شود؟

سال ۲۰۰۱: در این سال عضویت چین در سازمان تجارت جهانی (WTO) پذیرفته شد. در حال حاضر آمریکا و بسیاری از دیگر کشورهای غربی مانند کشورهای عضو گروه G8 بیش از آنکه تولیدکننده باشند، مصرف کننده‌اند و همین موضوع مشکل عظیم عدم

تعادل تراز تجاری در ایالات متحده و از دور فعالیت خارج کردن کارخانه‌های کشور را به وجود آورده است.

بسیاری از صنایع کوچک توانایی رقابت با وال مارت که ارتباط مستقیم با کارخانه‌های چینی دارد را ندارند. امروزه هر چه طبقه‌ی متوسط در آمریکا کوچک‌تر می‌شود شاهدیم که همین گروه در چین و هند بزرگ‌تر شده و بر جمعیت آن افزوده می‌شود.

#### آیا کالا‌های ساخت خارج را مصرف می‌کند؟

سال ۲۰۰۴: در مناظرات انتخاباتی بین کری و بوش صحبت از استراتژی فرصت‌های شغلی آمریکاییان شد. اما نکته‌ای که هر دو به آن بی‌اعتنایی کردند سررفتن قروض آمریکاییان به کشورهای دیگر بود.

در حالی که اعم حوادث مطرح شده در این روزها حول محور مهاجران غیر قانونی است که به عنوان نیروی کار جامعه وارد بازار کار شده‌اند. از مسئله‌ی مهاجرت، مسئله مهم‌تری غفلت شده است و آن میزان سرمایه‌ی خارجی است که کشور را شناور نگه داشته است. سال ۲۰۰۴، ۴۴٪ از قروض (بنا به آمار خزانه داری) متعلق به کشورهای خارجی بوده است. در تاریخ جهان سابقه نداشته است که یک کشور پیشتان عرصه‌ی بین‌المللی، به این میزان بدهی خارجی بالا آورده باشد. آمریکاییان از عهده‌ی پرداخت، رفع و رجوع این بدهی بر نمی‌آیند و کشورهای جهان هم نسبت به میزان بدهی‌ای که ایالات متحده بالا می‌آورد محدودیت قایل هستند.

#### آیا می‌توانید قروضتان را ادا کنید؟

کتاب پیش رو سیاسی نیست و قصد شماتت جمهوری خواهان یا دمکراتها را ندارد، بلکه محتوای آن در مورد پول، آموزش مالی و نیز اثرات فقدان آموزش مالی و مدیریت پول بر وضعیت مالی است. این کتاب می‌خواهد به افراد یاد بدهد که چگونه می‌توانند در برابر اثرات سوئی مدیریت‌های مالی در برابر خودشان محافظت کنند. شاید چون مسایلی که امروزه با آن روبرو هستیم غامض‌تر از آنی هستند که دولت‌ها بتوانند حلشان کنند، سیاستمداران از بحث در باب مشکلات واقع‌ظرفه می‌روند.

ایالات متحده برخوردار از بالاترین سطح استاندارد زندگی در جهان است که به دست آوردنش به بهای تبدیل شدن کشور به مقروض‌ترین کشور دنیا صورت گرفت. در کنار این موضوع دلار آمریکا پول رایج جهان است و تا به حال ایالات متحده توانسته است هر چقدر می‌خواهد دلار چاپ کند اما بالاخره پایان این داستان خوش است یا کابوسی بیش نیست؟ به بیان دونالد و رابرت این رویا چندان دوام نخواهد آورد و انتظار می‌رود که در سطح جهانی اصلاحاتی صورت بگیرد. متأسفانه در این میان قشر متوسط و فقیر جامعه

بیشترین ضربه را خواهند خورد. دقیقاً به همین دلیل دونالد و رابرت خواستار ثروتمند شدن دیگران هستند.

#### **این کتاب ادعای تحول در ابعاد جهانی ایجاد کردن ندارد.**

کتاب حاضر ادعای تغییر دادن جهان را ندارد، بلکه می‌خواهد شما را تغییر دهد تا بدین وسیله قربانی جهان در تحول نشوید. با وجود آنکه تغییرات جهانی در مقیاسی وسیع در حال وقوعند، سیاستمداران، بوروکراسی و دولت‌ها قادر به ایجاد تغییرات سریع یا حفاظت از تمامی افراد جامعه در برابر تحولات نیستند.

به تازگی اعلام شد که بیل گیتس و وارن بافت در تلاشی همدلانه دست به دست هم داده‌اند تا بعضی از بغرنج‌ترین مشکلات جهان را حل کنند. اقدام آنها از این جهت که با پول می‌شود بسیاری از مشکلات جهان از قبیل گرسنگی، احداث مسکن ارزان قیمت، بسیاری از بیماری‌ها (مانند ایدز و سرطان) را ریشه کن کند، ستودنی است.

#### **مشکل فقر با پول حل نمی‌شود**

فقر یکی از مشکلاتی است که پول حلش نمی‌کند. علیرغم اینکه دلایل سبب ساز فقر، متعدد هستند. یکی از دلایل آن فقدان آموزش مالی است. اشکالی که به اختصاص دادن پول جهت حل فقر وارد است، این است که پول صرفاً تعداد فقرا را بیشتر می‌کند و آنها را به مدت طولانی‌تری فقیر نگه می‌دارد. از آنجا که به اعتقاد دونالد و رابرت تنها راه حل حقیقی برای حل مشکل فقر در جهان آموزش امور مالی به افراد است و نه اختصاص پول به افراد، آنها اقدام به نگارش این کتاب کرده‌اند. اگر پول به تنهایی مشکلات را ریشه کن می‌کرد، این دو نفر حاضر بودند ثروت خود را ببخشند اما چون مشکل اینطوری حل نمی‌شود، وقتشان را صرف کرده‌اند. علاوه بر آن قسمتی از درآمد حاصل از فروش این کتاب به سازمان‌های آموزشی‌ای که در زمینه‌ی آموزش امور مالی فعالیت می‌کنند، اهدا خواهد شد.

هم‌زمان با ارتقا دانش مالی، فرد توانایی شناسایی فرصت‌های مالی در موقعیت‌های گوناگون را کسب می‌کند. ممکن است شخصی پس از پولدار شدن، تصمیم بگیرد تا خود نیز به تغییر در جهان کمک کند. همان طور که دونالد و رابرت این کار را کردند. به همین دلیل است که تلاش هایشان را در قالب معلم به هم پیوند داده‌اند.

هنگام خواندن کتاب مشخص است که با دو دیدگاه از دو طرف روبرو هستیم که از دو زمینه‌ی متفاوت برخاسته‌اند و دو دیدگاه متفاوت دارند. رابرت فردی داستان سراسر است و غالباً در نوشته‌هایش از گفتگو و محاوره استفاده می‌کند و در مقابل دونالد، رک و صریح است و به اصل موضوع می‌پردازد و تا آنجا که بتواند از حاشیه پرهیز می‌کند. در متن

کتاب از دو نوع قلم استفاده شده است تا بدین وسیله لحن آنها از هم تمیز داده شود. (قلم کاراموند برای رابرت و ترباچت برای دونالد استفاده شده است). فکر می‌کنید بتوانید این کتاب را بدون تعصب و قضاوت جانبدارانه با ذهنی باز بخوانید؟ اگر بتوانید، جهان را از دیدگاه این دو مرد موفق خواهید دید و حتی ممکن است پیش فرض‌های خود را در مورد پول و آنچه برای آینده مالی‌تان می‌تواند روی بدهد وسعت بدهید.

تقدیم به آینده‌ی مالی سرشار از موفقیت شما!

شارون لشتتر

" بله موفق شدیم تا جمهوری تقریباً بی نقصی به وجود بیاورم، اما آیا مردم از آن پاسداری خواهند کرد یا غرق در لذت فراوانی خاطره‌ی آزادی را از یاد می‌برند؟ پولدار بودن بدون هوش و خرد داشتن، مطمئن‌ترین راه به نابودی است. به راستی وقتی می‌اندیشم خداوند عادل و برحق است، از آینده‌ی کشورم بیمناک می‌شوم."

توماس جفرسون

## فهرست:

### بخش اول: چرا دونالد ترامپ و رابرت کیوساکی این کتاب را نوشتند؟

فصل ۱: میلیونر با میلیارد در دیدار می‌کند

فصل ۲: دغدغه‌های مشترک ما

فصل ۳: طبقه‌ی متوسط رو به نابودی

فصل ۴: چگونه پولدار شوید؟

فصل ۵: چرا دوست داریم پولدار شویم؟

### بخش دوم: سه نوع سرمایه گذار

فصل ۶: سرمایه گذاری به قصد نفع بردن

فصل ۷: نبرد و عرصه‌ی نبرد تان را انتخاب کنید

فصل ۸: بین سرمایه گذاران و پس انداز کنندگان تفاوت هست

فصل ۹: دو چیزی که رویش سرمایه گذاری می‌شود

فصل ۱۰: کنترل دست بردگان است

فصل ۱۱: خلاقیت مغز راست و چپ

فصل ۱۲: دیدتان را وسعت دهید

فصل ۱۳: بسیار پولدار شدن نه تنها پر مخاطره نیست بلکه قابل پیش بینی است

### بخش سوم: لحظات تعیین کننده: فراتر از سود بردن یا ضرر کردن

فصل ۱۴: از پدرتان چه چیزی یاد گرفتید؟

فصل ۱۵: مادرتان چه چیزی به شما یاد داد؟

فصل ۱۶: در مدرسه چه چیزی یاد گرفتید؟

فصل ۱۷: مدرسه‌ی نظام چه نقشی در زندگی تان داشته است؟

فصل ۱۸: درسی که از ورزش یاد گرفته اید چه بوده؟

فصل ۱۹: داز بیزنس چه چیزی یاد گرفتید؟

فصل ۲۰: فلسفه‌ی شما در مورد موضوعاتی مثل مذهب خداوند و پول چیست؟

### بخش چهارم: اگر شما به جای من بودید چه میکردید؟

فصل ۲۱: هنوز در حال تحصیل هستم چه باید بکنم؟

فصل ۲۲: من بزرگسال هستم و پول زیادی هم ندارم، چه باید بکنم؟

- فصل ۲۳: اگر فرد متولد سال های انفجار موالید است چه باید بکند؟  
فصل ۲۴: اگر من در حال حاضر ثروتمند باشم چه توصیه ای دارید؟  
فصل ۲۵: چرا بعضی افرادی که میخواهند پولدار شوند شکست میخورند؟

#### **بخش پنجم: حالا شروع کنید**

- فصل ۲۶: چرا سرمایه گذاری در املاک و مستغلات را پیشنهاد میکنید؟  
فصل ۲۷: به چه دلیل بازاریابی شبکه ای توصیه میشود؟  
فصل ۲۸: به چه دلیل راه اندازی بیزنس شخصی را توصیه میکنید؟  
فصل ۲۹: رهبران معلم اند